



حرف‌های تنویری

اعظم شاکری

حرکات عجیب یک ملی‌پوش

برخی اوقات پیش خودمان فکر می‌کنیم که چرا مدیران وقت باشگاه بایرن مونیخ، هنگامی که فرانس بکن‌بائر فوق ستاره آن زمان فوتبال جهان را در اوایل جوانی جذب کردند، برایش چند معلم خصوصی هم استخدام کردند. اما حالا که دیسپلین بالا و رفتار و منش بکن‌بائر را با حرکات عجیب ملی‌پوشان کشورمان در زمان بازی‌های جام جهانی مقایسه می‌کنیم، به اندیشه درست بایرنی‌ها در دهه شصت، آفرین می‌گوییم. یکی از آقایان ملی‌پوش که ظاهراً مراکز خرید را با حریم شخصی خود اشتباه گرفته بود، در یکی از مغازه‌های شهر فردریش هافن هنگامی که مشغول بررسی یک لباس بود، حرکات عجیبی از خود نشان داد که تعجب خبرنگاران حاضر را برانگیخت. نکته قابل تأمل این که دقیقاً همان زمان، یکی دیگر از ملی‌پوشان نیز همراه با همسر خود در آن مغازه حاضر بود و از حرکات هم‌بازی خود بهت‌زده شده بود.

نمای درشت!

یکی از نکات جالب توجه در جام جهانی، حضور همسران ستارگان فوتبال کشورهای مختلف بود. ولی بعضی از همسران فوتبالیست‌های کشور ما که ناسلامتی قرار بود اخلاق و فرهنگ و منش ایرانی را صادر کنند، باعث آبروریزی شدند. یکی از آن‌ها سیگار بر لب با ژستی مانند ستارگان معروف دنیا، ورزشگاه را با لوکیشن فیلم‌برداری اشتباه گرفته بود. رفتار او، نمای درشت خیلی از دوربین‌ها شد، اما او نه به روی مبارک آورد، نه عصبانی شد و نه به یاد آورد که او همسر فوتبالیستی است که همه به دید یک ایرانی، با فرهنگی اصیل به او نگاه می‌کنند. آن دیگری هم ورزشگاه را با سالن مد اشتباه گرفته بود. اگرچه چهره شرقی داشت، اما خیلی‌ها فکر می‌کردند او یک مانکن خارجی است نه همسر یک فوتبالیست معروف ایرانی!

از گیوه پاره تا کفش لوئیس فیگو

تیم ملی کشورمان در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ بازی‌هایش را با نتایجی نه چندان مورد انتظار به پایان برد. یکی از نکات منفی که از مجموع کنش و واکنش‌های یاران ملی‌پوش به عنوان بدعتی غلط بر تارک فرهنگی فوتبال باقی ماند، عدم درک موقعیت در بین یاران تیم ملی فوتبال بود. آن‌ها هیچ‌گاه نخواستند خودشان را در موقعیت رفیع جام جهانی ببینند و باور کنند که زمام حیثیت و آبروی فوتبال ما را در دست دارند.

کمپلکس‌های فرهنگی و به عبارت ساده‌تر عقده‌های فرهنگی، عامل بروز این اشکال عمده در جان و دل فوتبال ما بود. فوتبال ما یک شبان روستایی بود که در زرق و برق شهر جام جهانی از خود بی‌خود شد و اسیر جاذبه‌های آن گردید. ما زمانی باختمیم که فوتبالیست‌های کشورمان که اکثراً موقعیت مالی ضعیفی داشته‌اند، به ناگاه با دنیایی از پول و نام و اعتبار مواجه شدند. فوتبالیستی که ظرف دو سال، گیوه‌پاراش بدل به کفش ۲۰۰ هزار تومانی شد، معلوم است که سلسله مراتب فرهنگی را شناسد و باور نکند.

فوتبالیست ما یک‌شبه پولدار می‌شود، در حالی که هیچ معلمی راه خرج کردن پول و استفاده از آن را به او نیاموخته است.

فوتبالیست ما یک‌شبه از قعر گم‌نامی و بی‌اعتباری، ناگهان عکس صفحه اول روزنامه‌های ورزشی می‌شود و به جای بهره‌برداری از این موفقیت، خودش را می‌بازد. آن‌گاه است که جلوتر از دماغش نمی‌بیند، به مردم و خبرنگاران بی‌اعتنایی می‌کند و پشت چشم برایشان نازک می‌کند. فوتبالیست ما حتی در جام جهانی هم از آسیب رسیدن به خودش می‌ترسد. جایی که رونالدینیو و کلوزه به طنز ما بی‌دین و ایمان به پیراهن تیم ملی کشورشان ایمان دارند. ما می‌ترسیم موقعیت خود را در اروپا از دست بدهیم.

فوتبالیستی که به احترام و ارزش تیم ملی فوتبال کشورش پشت می‌کند، همان کسی است که چند سال قبل، برای بازی در تیم ملی با اتوبوس از تهران به بروجرد می‌رفت و با التماس از مربیان تیم ملی می‌خواست که در را به رویش بکشایند!



ستاره‌های فوتبال در مقایسه با

ستاره‌های دیگر رشته‌های ورزشی

زمانی که علی‌رضا دبیر، قهرمان المپیک سیدنی و ملی‌پوش باتجربه کشتی آزاد از طرف فدراسیون آمریکا جهت تدریس و آموزش کشتی در دانشگاه‌های سه ایالت این کشور دعوت شد، جواب داد: من بوی اسفند محرم را با کل آمریکا عوض نمی‌کنم؛ ولی متأسفانه در فوتبال ما تعصب و غیرت از بین رفته و همه چیز به خاطر پول فروخته شده.

تراژدی امضا روی کاغذ خیس

در یک چشم به هم زدن مثل بن‌جانسون کانادایی رکورد ۱۰۰ متر را زیر ده ثانیه دوید تا کلاس کارش پایین نیاید و امضاها مهم خود را به دیگران هدیه ندهد!

پسرک نوجوان که نفس نفس می‌زد، با خودش گفت: می‌خواستم فقط از او یک امضای یادگاری بگیرم نه این که بگویم چرا با پیراهن تیم ملی آبروی فوتبال ایران را در جام جهانی بردید.

شک در چشمان پسرک نوجوان حلقه زد و قطره‌ای از آن روی کاغذ چکید. امضا روی کاغذ خیس! خدایا این فوتبال و ملی‌پوشان چه قدر بی‌رحم شده‌اند.

کسی که با ماشین مدل بالا در جردن و سعادت‌آباد تک‌چرخ بزند و پشت موهایش از دخترخانم‌ها بلندتر باشد، معلوم است که دیگر گذشته‌اش را به یاد نمی‌آورد. این بازیکن شهرستانی از وقتی که باکلاس شده، از لقب شهرستانی فقط زمانی استفاده می‌کند که می‌خواهد دل دیگران به حالش بسوزد.

بت سنگی

برزیلی‌ها بعد از شکست از فرانسه، مجسمه هفت متری رونالدینیو، فوق ستاره بزرگ فوتبال کشورشان را شکستند. کار بدی که البته ناشی از احساسات صادقانه مردم فوتبال‌زده و عصبان‌زده بود و بس!

به این نکته اشاره کردیم که بگوئیم فوتبال دنیا با کسی تعارف ندارد. دیدید که جلو چشم همه، بت سنگی بزرگ‌ترین ستاره فوتبال دنیا شکسته می‌شود، ولی متأسفانه در تیم ملی ما سال‌هاست که برخی ستاره‌های کاغذی همانند یک بت سنگی بدون عمل‌کرد قابل قبول میدان‌داری می‌کنند و به مردم و اصحاب رسانه‌ها هم حق نمی‌دهند که هیچ‌گونه اعتراضی نسبت به عمل‌کرد ضعیف‌شان داشته باشند، چرا که اعتراض صادقانه مردم را هوچی‌گری می‌پندارند.

کی جواب‌گوست؟!

بله من پول پرستم. خدای ناکرده اگر فردا مصدوم شدم، چه کسی می‌خواهد خرج زندگی من را بدهد؟!

جمله بالا عین حرفی است که حسین کعبی در یکی از مصاحبه‌های خود به زبان آورده است. با حرفی که او زده، حالا ادعای گل‌محمدی در جام جهانی باورمان می‌شود، آنچه که گفته بود: وقتی از یکی از جوانان تیم ملی خواستم محکم بازی کند، با خون‌سردی جواب داد که: بازی محکم را بی‌خیال! پول قرارداد سال آینده را عشق است. اگر محکم بازی کنم و مصدوم شوم، تو جواب‌گو هستی؟

واپس‌گرایی!

وقتی فدراسیون فوتبال استفاده از زیورآلات و آرایش‌های نامتعارف را در مسابقات لیگ ممنوع اعلام کرد، خیلی‌ها اعتراض کردند و کار فدراسیون را تقبیح کردند. اما خوب است بدانید که کمیته اجرایی فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) هم اعلام کرده که هیچ‌کدام از بازیکنان حق استفاده از زیورآلات را ندارند و در صورت تخلف، داور حق دارد با آنها برخورد قاطع کند. امیدواریم دوستان ما، فیفا را دیگر متهم به واپس‌گرایی نکنند.

فوتبال حرفه‌ای از لحاظ فرهنگی در کجا قرار دارد؟

هرچند دیدار بازیکنان تیم ملی با ریاست جمهوری یکی از نقاط قوت و شارژ روحی بازیکنان، قبل از اعزام به مسابقات جام جهانی به شمار می‌آید، اما ظاهراً کنترل خاصی روی پوشش و رفتار بازیکنان هنگام حضور در مراسم‌های رسمی وجود نداشت.

ظاهراً بازیکنان ما هنوز نمی‌دانند که در یک مراسم رسمی چگونه حاضر شوند. در مراسم دیدار ملی‌پوشان با رئیس‌جمهور، دیدیم که برخی بازیکنان با لباس‌های ورزشی، پیراهن‌های روی شلوار و ... ظاهر شدند و با پوشش‌های کاملاً غیر رسمی به دیدار رئیس‌جمهور رفتند.

جالب اینجا بود که همین بازیکنان زمانی که عازم مسابقات شدند، با لباس‌های هماهنگ و رسمی وارد هواپیما شدند.

بیست میلیون پول خرد

دوستی تعریف می‌کرد در جشن بدرقه ملی‌پوشان، به هر بازیکن ۲۰ میلیون تومان اهدا شد. اکثر بازیکنان با دیدن عدد روی چک، از این که مبلغ مورد نظر فقط ۲۰ میلیون تومان است به شدت دلخور شدند! ملالی نیست! اما یادمان باشد که این مشکل ما نیست. مشکل ما دل‌آزدگی و گوشه‌نشینی کسانی است که سال‌ها افتخار آفرین بوده‌اند ولی حالا از پادها رفته‌اند.